

یادداشت روز

مذاکراهای که بود؛ مذاکراهای که هست

اسلام‌آباد؛ شهری که تا هفته پیش یک مقصد غیرمعمول برای گفت‌وگوهای سیاسی وبین‌المللی به نظر می‌رسید اما در عرض چندروز تبدیل به محل برگزاری یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ جهان در قرن بیست و یکم شد؛ مذاکرات ایران و ایالات متحده بعد از ۳۹ روز جنگ و ناکامی و اشنگتن در تسلیم تهران؛ رویدادی که به دلیل فشارهای آمریکا به پاکستان برای تحقق آتش‌بس و خروج موقت آمریکا از فشار ناکامی‌های جنگ، نهایتاً در اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان برگزار شد.

تیم ایرانی به سرپرستی محمدباقر قالیباف به عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی و تیم آمریکایی به سرپرستی جی دی‌ونس به‌عنوان رئیس مجلس سنا عازم اسلام‌آباد شدند. آن‌چه در پیش از برگزاری مذاکرات مشخص بود، تفاوت راهبردی انگیزه‌های طرفین برای حضور در این گفت‌وگوها بود؛ تیم ایرانی به دنبال نقد کردن دستاوردهای میدانی خود و تیم آمریکایی به دنبال کسب امتیازهایی که در جنگ نتوانسته بود به دست بیاورد. این دستور کارهای کاملاً متفاوت و حتی متضاد، اندیشمندان روابط بین‌الملل را به این نتیجه رسانده بود که حداقل دور اول این گفت‌وگوها نمی‌تواند منجر به توافق نهایی شود؛ به‌طور ویژه آن‌که دونالد ترامپ تأیید کرده بود که مبنای مذاکرات، شروط ده‌گانه تهران است؛ شروطی که تحقق آن‌ها، مصداق پیروزی ایران در جنگ و پذیرش شکست از سوی آمریکا بود.

از آن جایی که در خواست آتش‌بس از سوی طرف آمریکایی صورت گرفته بود، ایران پیش‌شرطهایی را برای حضور در گفت‌وگوهای اسلام‌آباد مطرح کرده بود که آمریکا در یک متن مکتوب به واسطه طرف پاکستانی، موافقت خود با آن‌ها را اعلام کرده بود. «برقراری آتش‌بس در تمام جبهه‌ها از جمله لبنان» و «آزادسازی بخشی از دارایی‌های مسدودشده ایران از سوی آمریکا»، دو موردی بودند که از سوی رئیس تیم مذاکره‌کننده ایران نیز مورد تأکید قرار گرفتند. همین تأکید بر تحقق شروط بود که باعث شد هیئت ایرانی به مدت حدود شش ساعت، پرواز خود به سمت پاکستان را به تأخیر بیندازد تا بعد از اطمینان از اجرای شدن آن‌ها، راهی اسلام‌آباد شود. با این حال، اعضای هیئت کارشناسی تیم ایران، نگاه‌های متفاوتی به این مسئله داشتند: برخی بر لزوم اجرایی شدن قطعی شروط پافشاری می‌کردند، برخی به اجرای مدلی از آتش‌بس در لبنان که درگیری را محدود به جنوب می‌کرد، اشاره داشتند و برخی دیگر هم نکات متفاوتی را مطرح می‌کردند. نهایتاً جمع‌بندی تیم ایران این‌گونه صورت گرفت که ضمن تأکید بر قطعی بودن شرط ایران برای آتش‌بس در لبنان و همچنین اجرایی شدن بخشی از این آتش‌بس در بیروت، مذاکرات با طرف آمریکایی برگزار شود.

هیئت ۳۰۰ نفره آمریکایی که بیشتر اعضای آن را نیروهای امنیتی تشکیل می‌دادند، صبح‌روز شنبه به اسلام‌آباد رسید و معاون رئیس‌جمهور آمریکا به صراحت اعلام کرد که این سفر «یک روزه» خواهد بود؛ موضوعی که از همان ابتدا و از سوی کارشناسان به عنوان «عدم آمادگی طرف آمریکایی برای رسیدن به توافق» ارزیابی شد. در پایان مذاکرات و در حالی که گمانه‌زنی‌ها مبتنی بر ادامه گفت‌وگوها در روز یک‌شنبه بود، نشست خبری ناگهانی جی‌دی‌ونس و اعلام ناموفق بودن مذاکرات، رسانه‌های بین‌المللی را به همان نتیجه ابتدایی رساند: تیم آمریکایی اساساً برای ارزیابی شرایط و نه انجام توافق، به پاکستان آمده بود. آنچه را که از شنیده‌ها و نمایش میدانی درباره روند مذاکرات برداشت می‌شود، می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

چارچوب مذاکرات مبتنی بر شروط ۱۰ گانه ایرانی بوده است و اساساً طرح ۱۵ بندی آمریکا که شامل مواردی مانند گفت‌وگو درباره مسائل نظیر توان موشکی ایران و دستاوردهای شبکه مقاومت بوده، هیچ جایگاهی در مذاکرات نداشته است.

ایران بر تحقق پیش‌شرط‌های خود تأکید داشته و ایالات متحده هم آن‌ها را پذیرفته‌انه نهایتاً بر طبق معمول، بدعهدی‌هایی در این زمینه رخ داده که با تأکید ایران، بخش‌هایی از آن و با ملاحظات اجرایی شده‌اند؛ نظیر محدود شدن خط آتش اسرائیل در لبنان به جنوب این کشور. البته بخش‌هایی نیز اجرایی نشده‌ند که با عدم اجرای بازگشایی تنگه هرمز از سوی ایران پاسخ داده شد.

طرفین بر سر کلیات شروط ۱۰ گانه ایران به تفاهات عمومی رسیدند و برخی اختلافات به صورت جزئی در حد سازو کارهای اجرایی باقی

 	
 	

مهدی خا‌نعل‌زاده
info@khorasannews.com

 	
 	

فرمانده کل قوا در پیامی به مناسبت روز ارتش، بر پیگیری خط ترقی توانمندی‌های ارتش تأکید کردند

ارتش در مسیر جهش

حضرت آیت‌ا...سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای فرمانده کل قوا در پیامی، ضمن تبریک روز ارتش به همه ارتشیان و خانواده‌های ارجمند ایشان و ملت بزرگ ایران، پیروزی انقلاب اسلامی را پایان دوران ضعف تحمیلی دشمن به‌ارتش دانستند و به‌دلاوری‌های اخیر برای دفاع از آب‌و خاک و پرچم ایران پرداختند. همچنین به‌مناسبت سالروز تولد رهبر عظیم‌الشان شهیدمان در بخشی از این پیام به تلاش‌های ایشان برای حفظ ارتش در مقابل نغمه‌های شوم انحلال آن و سپس برای ارتقای توانمندی‌های آن اشاره کردند.

متن کامل پیام به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَاءٌ مَرصُوصٌ.
بیست‌ونهم‌فروردین‌ماه،جستنه‌زاردوژ ارتش جمهوری اسلامی ایران که به‌ابتکار حکیمانه‌خمینی‌کبیر رحمت‌الله‌علیه‌به‌این عنوان نامگذاری شد را به همه ارتشیان و خانواده‌های ارجمند ایشان و ملت بزرگ ایران تبریک می‌گویم. پیروزی انقلاب اسلامی، خط‌فاصل بین دو مقطع از حیات ارتش به‌شمار می‌رود و باید آن را پایان دوران ضعیفی دانست که‌از سوی دشمنان این آب‌و خاک و به‌دست‌خائنین داخلی بر ارتش‌ورانشیان دلاور و صادق کشور تحمیل شده‌بود. از آن پس ارتش، در جای صحیح خود ایستاد و به‌جای آن که متعلق به نظام طاغوتی و فاسدپهلوی باشد در آغوش گرم ملت قرار گرفت که به‌راستی ارتش فرزند ملت است و از دل خانه‌های مردم برمی‌آید. به‌زودی ارتش در مقابل نقشه‌های شوم آمریکا و بازماندگان طاغوت‌پهلوی و تجزیه‌طلبانی که ایرانی از هم گسسته می‌خواستند، ایستاد و حماسه‌آفرید.

ارتش اسلام اینک همچون دو جنگ‌تحمیلی سابق، دلاورانه از آب‌و خاک و پرچمی که به‌آن تعلق دارد دفاع می‌کند و باتکیه‌گاه‌قوی الهی و مردمی خود در صفوی‌متراکم‌و مستحکم، دوشادوش دیگر مجاهدان نیروهای مسلح و مژدت‌آنان را در انتظار جهان‌نمایان ساخته است؛ همان‌طور که پهبادهای آن صاعقه‌وار بر جانبان آمریکایی و صهیونی وارد می‌آید، نیروی دریایی دلاور ش‌آماده است تا تلخی شکست‌های جدیدی را به کام دشمنان بچشاند.

از سویی دیگر بیست‌ونهم‌فروردین‌ماه سالروز تولد یگانه‌دوران، رهبر عظیم‌الشان شهیدمان هم‌هست؛ کسی که بیش‌ترین تلاش را از دهه‌اول انقلاب برای حفظ ارتش در مقابل نغمه‌های شوم انحلال آن و سپس برای ارتقای توانمندی‌های آن در جهات مختلف به‌عمل آورد.

فرمانده کل قوا در پیامی به مناسبت روز ارتش، بر پیگیری خط ترقی توانمندی‌های ارتش تأکید کردند



بی‌شک خط ترقی توانمندی‌های مختلف این نهاد مردمی اصل که از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب کشور را پاسداری می‌کند باید به‌طور مضاعف پیگیری شود و باذن‌الله در افق نژدیک تدابیر لازم‌ه‌برای تحقق آن صادر خواهد شد.

در این مسیر توجه به‌چهره‌قهرمانانی که در نسل‌های متمادی‌مدیریتی در پنج‌دهه‌اخیر، ارتش را هدایت‌وراهبری نمودند و بسیاری از ایشان در خیل شهیدان قرار گرفتند و برنامه‌ها و اقدامات آن‌ان و همچنین مرام بزرگوار آن‌ان و خالصانه‌ایشان، در س‌آموز و الهام‌بخش همه‌اجزای نیروهای مسلح خواهد بود. از بزرگانی نظیر قرنی، فلاحی، نامجو، فکوری، بابائی، ستاری، اردستانی و صیاد شیرازی گرفته تا آخرین شهیدان نامدار آن سید عبدالرحیم موسوی و عزیز نصیرزاده، سلام درود خداوند متعال بر همه مجاهدان ارتش جمهوری اسلامی ایران از امرأه و فرماندهان آن گرفته تا کارکنان و سربازان خاموش و گمنامش و سلام و درود خداوند متعال بر همه ایثارگران و جانبازان آن و سلام و رحمت‌خاصه حضرت‌تش بر خانواده‌های مکرم‌همه‌شهیدان جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونی علیه‌ملت بزرگ ایران.

والسلام علیکم‌وورحم‌ت‌الله‌وبرکاته.

سید مجتبی حسینی خامنه‌ای
۲۹/فروردین/۱۴۰۵

آتش‌بس در لبنان؛ روایت ایران یا روایت آمریکا؟

بی‌شک تحقق واقعی «وحدت‌ساحات» و همراهی و هم‌افزایی عملی اجزای مختلف جبهه مقاومت را باید یکی از مهم‌ترین دستاوردهای راهبردی جمهوری اسلامی در جنگ اخیر دانست؛ امری که در اولین پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌ا... سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای نیز به آن اشاره شده بود. لذا در روزهای گذشته شاهد پافشاری سطوح مختلف مردم و مسئولان کشور، بر ضرورت حفاظت از این دست‌اورد اساسی و ابراز نگرانی دلسوزانه طیف‌هایی از مردم در خصوص تنها ماندن لبنان بودیم. همچنان که این مسئله علاوه بر جنبه عقیدتی و اخلاقی، یکی از پایه‌های اصلی امنیت ملی کشورمان نیز به حساب می‌آید.

واقعیت این است که با فشار ایران در دور اول مذاکرات اسلام‌آباد، عملاً در روزهای گذشته آتش‌بس نیم‌بندی در لبنان شکل گرفته بود، به این معنی که بیروت و ضاحیه جنوبی آن، بعد از چهارشنبه‌سیاه دیگر مورد حمله رژیم صهیونیستی قرار نگرفت گرچه حملات دشمن در مناطق جنوب لبنان ادامه داشت و طبیعتاً حزب‌ا... قهرمان نیز همچون گذشته پاسخ‌های کوبنده لازم را به دشمن می‌داد. علت نیم‌بند شدن آتش‌بس در لبنان را باید در تحرکات موزیانه جریان متمایل به آمریکا در دولت لبنان جست‌وجو کرد که به‌شدت به دنبال جداسازی پرورنده لبنان از مسیر ایران و مسیرهای مذاکرات اسلام‌آباد بوده و هستند. زیرا توفیق ایران در برقرار سازی آتش‌بس در لبنان یک شکست و افتضاح بزرگ سیاسی برای این جریان محسوب خواهد شد و باعث تقویت بی‌سابقه پایگاه و جایگاه مردمی کشورمان در افکار عمومی و دل‌های لبنانی‌ها می‌شود. لذا این جریان که به‌ویژه در چند هفته اخیر دشمنی خود را با ایران بیش از همیشه علنی کرده و به‌اوج رسانده (تا جایی که سفیر کشورمان در لبنان را به عنوان عنصر نامطلوب قلمداد کرده و خواستار اخراج وی شدند) با کمک و تنفس مصنوعی آمریکا و اسرائیل به دنبال تسلط بر روندو خارج‌سازی زمام مبارده از دست ایران بودند و در این راستا این اقدامات را صورت دادند:

اولاً دولت لبنان بلافاصله بعد از اعلام بندهای ده‌گانه شروط ایران برای آتش‌بس اعلام کرد که کسی (منظور: ایران) حق ندارد از طرف لبنان برای آتش‌بس مذاکره کند و دولت لبنان مصمم است خودش به صورت مستقیم مسائل فیما بین با اسرائیل را حل و فصل کند. ثانیاً رژیم

صهیونیستی نیز که به دنبال جداسازی مسار لبنان از ایران بود، فرصت را مناسب دید و حالا با درخواستی که رئیس‌جمهور لبنان مبنی بر مذاکره مستقیم لبنان و اسرائیل از چند هفته قبل مطرح کرده بود، موافقت کرد. ثالثاً آمریکا مذاکره مستقیم لبنان و اسرائیل را ترتیب داد و سفیر لبنان در آمریکا در یک بدعت بی‌سابقه با سفیر رژیم صهیونیستی در آمریکا ملاقات و مذاکره کرد. گرچه تنها چیزی که در بیانیه ذلیلانه پایان این مذاکره به آن اشاره‌نشد، لزوم آتش‌بس و عدم تجاوز رژیم به لبنان بود.

تا این جای کار، ایران توانسته بود جلوی حملات اسرائیل به بخش‌های مهمی از لبنان (بیروت و ضاحیه) را بگیرد، ولی مدخله ناروای جریان وابسته به آمریکا در دولت لبنان سبب شد آتش‌بس به سایر مناطق به‌ویژه جنوب لبنان توسعه نیابد. البته افکار عمومی جریان همسوی مقاومت در لبنان کاملاً نسبت به این مسئله توجه بود و ایران را مقصر نمی‌دانست، بلکه کارشکنی دولت لبنان را عامل عدم بهره‌مندی کشورشان از فرصتی می‌دانست که ایران برای ایجاد آتش‌بس کامل فراهم کرده بود.

توطئه آمریکایی‌ها برای جداسازی پرورنده لبنان از ایران و دادن آزادی عمل به رژیم صهیونیستی برای استمرار جنایات و تجاوزها در لبنان البته باعث کوتاه آمدن مسئولان کشورمان از مطالبه اول ما‌نشد. ایران آتش‌بس کامل سرتاسری در لبنان را اولاً شرط اساسی موافقت با از سرگیری مذاکرات اسلام‌آباد اعلام و ثانیاً باز شدن تنگه هرمز در طول دوره آتش‌بس را نیز منوط به این مسئله کرد؛ یعنی قصه لبنان را دو قبضه کرد و نشان داد که عملاً آمریکا با همه فشارها نمی‌تواند هیچ‌امیدی به جدایی پرورنده لبنان از مسیر ایران داشته باشد. لذا سرانجام فشارهای آمریکا بر اسرائیل برای متوقف کردن تجاوزات در لبنان به امید حل چالش بزرگ تنگه هرمز و ادامه مذاکرات با ایران آغاز شد.

بافشار ایران و مشروط کردن دور دوم مذاکرات اسلام‌آباد به آتش‌بس کامل در لبنان، اسرائیل از آمریکا مهلتی چند روزه خواست تا بتواند جای پای خود را در جنوب لبنان محکم کرده و به‌ویژه بتواند شهر بنت‌جبیل را که در فاصله تقریباً پنج کیلومتری از شمال فلسطین اشغالی قرار دارد و به واسطه سخنرانی مشهور «اوهن من بیت‌العنکبوت» سید حسن نصرا... در سال ۲۰۰۰ در این شهر از اهمیت نمادین برخوردار است و عقده تاریخی صهیونیست‌ها محسوب می‌شود، اشغال کند.

▪ یک شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۵ ▪ شماره ۲۲۰۲۵ ▪ اول ذی‌العده ۱۴۴۷ ▪ ۱۹ آوریل ۲۰۲۶

 	
 	

حرف مردم

 	
 	

 	
 	

 	
 	